

تأثیر جهانی شدن بر روابط کار و تامین اجتماعی

امیر حسین رنجبریان* بهرام فرهمند صابر**

چکیده

در این مقاله آثار جهانی شدن را بر روابط کار و تامین اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌ایم. جهانی شدن اقتصاد و گرایش کشورها برای الحاق به سازمان تجارت جهانی بر حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان تأثیر عمیقی داشته است. اصول حاکم بر اقتصاد جهانی و شرایط پیوستن به این قافله جهانی، همراه با سیاست‌هایی است که رابطه مستقیمی با کاستن از حمایت‌های اجتماعی در روابط کار و تامین اجتماعی دارد. سیاست‌های تعدیل اقتصادی که همراه با خصوصی کردن اقتصاد، رقابت آزاد، مقررات زدایی، حذف تعرفه‌ها، انعطاف پذیری در قوانین حمایتی، شرایطی است که بستر را برای جهانی شدن فراهم می‌آورد. نقش و سیطره شرکت‌های چند ملیتی بر اقتصاد در عصر جهانی شدن باعث کاهش نقش دولت‌ها در روابط کار و تامین اجتماعی شده و شاهد عقب نشینی دولت‌ها از سیاست‌های حمایتی خود در زمینه‌های فوق هستیم. جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران، حقوق و مزایا، کارگران مهاجر، استانداردهای کار، میزان مستمریها، سالخوردگان و بازماندگان تأثیر منفی داشته، که ادامه این روند می‌تواند باعث تشدید فقر و نابرابری اجتماعی شود.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) ranjbarian@gmail.com

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر bahram_farhmandsaber@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۱

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، روابط کار، تامین اجتماعی، استانداردهای کار، کارگران، حمایت‌های اجتماعی، دولت

۱. مقدمه

از آنجا که جهانی شدن بر یک تحول همه جانبه دلالت می‌کند نه تنها بعد جغرافیایی کره خاکی را در بر می‌گیرد، بلکه بر همه ابعاد مادی و معنوی انسانها تاثیر می‌گذارد، رشد فزاینده فن آوری در زمینه ارتباطات و وسایل حمل و نقل مفهوم فضا و زمان را دگرگون کرده است. دهکده جهانی در پرتو این دستاوردهای علمی خلق گردیده است. و سایل ارتباطی مانند اینترنت، ایمیل، فاکس، تلفن امکان ارتباط آسان با اقصی نقاط جهان را فراهم آورده است. گردش آزاد سرمایه و مبادلات سریع بازرگانی جلوه‌هایی از جهانی شدن در عصر حاضر است. سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، همراه با شرکت‌های چند ملیتی و سازمان تجارت جهانی کارگزاران اصلی این فرایند هستند. با افزایش نقش این سازمان‌ها و شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد جهانی رفته رفته از اختیارات دولت‌ها کاسته شده است. بنابراین سعی خواهیم کرد در پاسخ به این سؤال که چگونه جهانی شدن باعث کاهش حمایت‌های اجتماعی در روابط کار و تامین اجتماعی می‌شود، ضمن احراز این رابطه با بیان مصادیق، آثار جهانی شدن را بر آنها بررسی نمائیم. برای ورود به بحث لازم است که ابتدا مفهوم جهانی شدن را تبیین نمائیم.

۲. مفهوم جهانی شدن

اکثر کسانی که در رابطه با جهانی شدن سخن گفته اند سعی کرده‌اند تا نه یک تعریف فراگیر، بلکه تعریفی به تناسب آنچه که مورد بحث آنها بوده، از جهانی شدن ارائه نمایند. وابسته تر شدن بخشهای گوناگون جهان، فشردگی جهان، افزایش وابستگی و در هم تنیدگی جهانی، فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان، ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره جهانی، پهناور شدن گستره تاثیر گذاری و تاثیر پذیری کنشهای اجتماعی، کاهش هزینه‌های تحمیل شده توسط فضا و زمان و غیره از جمله

تعاریف عرضه شده از جهانی شدن هستند (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

طبق تعریف واترز، جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم رفته رفته از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز^۱، ۱۳۷۹: ۱۲). از ویژگی‌های مهم این پدیده بین‌المللی کردن دولت و تبدیل دولت‌ها به عوامل و کارگزاران دنیای جهانی شده است.

یان آرت شولت^۲ در تعریف جهانی شدن می‌نویسد: «جهانی شدن به روندی گفته می‌شود که به واسطه آن روابط اجتماعی، تقریباً ویژگی بی‌فاصله بودن و بی‌مرز بودن را به خود می‌گیرد به گونه‌ای که زندگی انسان به گونه‌ای روز افزون در جهان چونان مکانی یگانه محسوب می‌شود و تحقق می‌یابد (شولت، ۱۳۸۲: ۵۰).

۳. مفهوم حمایت‌های اجتماعی

از حمایت‌های اجتماعی تعاریف‌های متفاوتی ارائه شده است، که ناظر به رویکردهای مختلفی است که نسبت به این پدیده مهم اجتماعی وجود دارد. عده‌ای حمایت‌های اجتماعی را کمک‌هایی می‌دانند که از طریق بیمه‌های اجتماعی و یا تامین اجتماعی نسبت به طبقه خاص یا تمام طبقات اجتماع صورت می‌گیرد و یکی از راههای توزیع مجدد درآمدها و تامین عدالت اجتماعی هستند (مجتبوی نائینی، ۱۳۷۲: ۱۱). در این تعریف، حمایت‌های اجتماعی را نوعی کمک می‌دانند که بدون تاکید بر نقش دولت، به طور ضمنی مجرای این کمک‌ها را اعم از کمک‌های دولتی یا غیر دولتی معرفی می‌کند.

تعریف دوم؛ حمایت‌های اجتماعی را اقدامات دولتی با هدف حمایت در آمدی از افراد یک جامعه تعریف می‌نماید (عراقی؛ شهابی و بادینی، ۱۳۸۶: ۱۵). در این تعریف، اولاً؛ به صورت آشکار بر محوریت نقش دولت در ارائه حمایت‌های اجتماعی تاکید دارد. ثانیاً؛ مانند تعریف اول تمام افراد جامعه را مشمول حمایت‌های اجتماعی می‌دانند. ثالثاً؛ تعبیر اقدامات دولتی، دارای معنایی عام بوده و شامل تمام اقدامات، از جمله

اقدامات پیشگیرانه دولت نیز می‌شود، در این صورت، حمایت‌های اجتماعی شامل اقدامات تامین اجتماعی به معنای اخص (که اقدامات پیشگیرانه را در بر نمی‌گیرد) نخواهد بود.

تعریف سوم از حمایت‌های اجتماعی توسط بانک جهانی ارائه شده است در این تعریف، حمایت‌های اجتماعی عبارت است از: مداخله دولت و حوزه عمومی به منظور تامین دو هدف: اول یاری به افراد، خانواده‌ها و جوامع همبسته برای مدیریت هر چه بهتر خطرها. دوم حمایت مستقیم از کسانی که با فقر شدید دست به گریبانند.

تعریف چهارم حمایت اجتماعی از دیدگاه سازمان بین‌المللی کار؛ به عنوان حمایت‌های عمومی است که جامعه به اعضای خود جهت حمایت در مقابل محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی که ناشی از فقدان یا کاهش اساسی درآمدهای ناشی از کار در نتیجه حوادث احتمالی متعدد (بیماری، بارداری، آسیب‌های شغلی، بیکاری، از کار افتادگی، پیری، مرگ نان آور خانواده بوده، تعریف کرده است. در این تعریف، حمایت‌های اجتماعی مفهوم وسیع‌تر و عام‌الشمول‌تر از تامین اجتماعی دارد. بدین دلیل که حمایت‌های غیر مدون یا خصوصی برای ارائه تامین اجتماعی را بهم آمیخته است.

در این مقاله منظور از حمایت‌های اجتماعی آن دسته از حمایت‌هایی است که دولت برای جبران آسیب‌های وارده به اعضای خود که در نتیجه بیماری، بارداری، آسیب‌های شغلی، بیکاری، از کار افتادگی، پیری، کاهش اساسی در آمد، توان مقابله با مشکلات موجود را ندارند بعمل می‌آید.

۴. رابطه جهانی شدن با حمایت‌های اجتماعی

با توجه به ناکارآمدی حمایت‌های سنتی، امروزه شهروندان بیش از پیش نیاز به حمایت‌های دولت دارند طی چند دهه اخیر دولت‌ها نیز یکی از وظایف اصلی خود را حمایت از اقشار آسیب پذیر خود دانسته تا آنجا که نقش و مفهوم دولت نیز در مقایسه با گذشته متحول شده است. اگر در گذشته دولت نماد حاکمیت و اقتدار بود در حال

حاضر با دگرگونی در کارکرد نظامهای حاکم، دولت رفاهی مفهومی رایج شده و عمده‌ترین وظیفه دولت ارائه خدمات رفاهی است. از طرفی غلبه بعد اقتصادی «جهانی شدن» سایر ابعاد آن را بشدت متأثر ساخته است.

برخی از نظریه پردازان، جهانی شدن را فرایندی می‌دانند که طی آن، تولید و توزیع، جهان را به بازار برای تجارت، فروش و سرمایه گذاری تبدیل می‌کند، امروزه با تشکیل بازار جهانی اقتصاد، سازمان‌ها و عوامل اقتصادی فراوانی در این عملیات و فعالیتهای فراملی دخیل هستند. مرزهای کشورها نیز در برابر فعالیتهای اقتصادی بسیار نفوذ پذیر شده اند، وابستگی متقابل در عرصه جهانی، به اندازه‌ای افزایش یافته که تفکر اتخاذ سیاستهای انزوا گرایانه و خود کفای اقتصادی وجدا ساختن خود از شبکه‌های اقتصادی جهان گستر، غیر قابل تصور و ناممکن شده است.

حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی که معتقد به عدم مداخله دولت در امور اقتصادی بوده، همراه با نقش موثر کارگزاران اقتصاد جهانی مانند، سازمان‌های پولی و مالی، سازمان تجارت جهانی، شرکت‌های چند ملیتی - تعدیل‌های اقتصادی که طی این سه دهه اخیر با خصوصی سازی همراه بوده است. مقررات زدایی، جریان آزاد سرمایه و مبادلات بازرگانی، انعطاف پذیر تر شدن مقررات حمایتی، حذف تعرفه‌ها از پیش شرطهای لازم جهت جهانی شدن اقتصاد است. رقابت آزاد ملازمه با عدم مداخله یا دخالت حداقلی دولت دارد. در اقتصاد جهانی، جریان سرمایه به سمت کشورهایی است که مقررات آسانتری در خصوص حمایت‌های اجتماعی دارند. نگرش اقتصادی به هزینه‌های اجتماعی سبب می‌شود که کشورهایی بعنوان میزبان انتخاب شوند که مقررات انعطاف پذیر و آسانتری داشته باشند. از طرفی شرکت‌های چند ملیتی با تهدید به خروج سرمایه خود از کشورهای میزبان به کشورهای دیگر آنها را مجبور به پذیرش شرایط خود می‌کنند. همه این شرایط باعث کاهش حمایت‌های اجتماعی می‌شود. زیرا کشورهای میزبان از ترس اینکه نتوانند سرمایه‌های خارجی را جذب کنند مجبور به اعطای امتیازات به این شرکت‌ها می‌شوند.

مقررات زدایی و کاهش تعرفه‌های گمرکی، بازار مناسبی را برای این قبیل شرکت‌ها بوجود می‌آورد. استفاده از صنایع مبتنی بر سرمایه بجای صنایع کاربر باعث

بیکاری تعداد کثیری از کارگران خواهد شد. رشد پدیده بیکاری و به تبع آن فقر حاکم بر کشورهای جهان سوم و عرضه زیاد نیروی کار غیر ماهر سبب می‌شود که کارگران شرایط سخت این قبیل شرکت‌ها را بپذیرند: نگرش اقتصادی به مزد کارگر نیز باعث می‌شود که این قبیل شرکت‌ها برای ادامه رقابت از میزان دستمزدها بکاهند که خود باعث تشدید فقر خواهد شد. از طرف دیگر حذف تعرفه‌ها و کاهش مالیات سبب کاهش درآمد دولت‌ها شده به نحویکه اکثراً با کسری بودجه مواجه خواهند شد. اتخاذ سیاستهای اجتماعی موثر در زمینه حمایت‌های اجتماعی نیاز به تخصیص بودجه و اعتبارات لازم دارد که کاهش درآمد و کسری بودجه، مانع از اتخاذ سیاستهای شایسته در این خصوص می‌شود. نفوذ روز افزون کارگزاران بین‌المللی بر سیاستهای اجتماعی دولت‌ها نیز مانع دیگری است که از تبعات جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. آثار جهانی شدن را طی دو گفتار به شرح ذیل بررسی می‌نمائیم:

- آثار جهانی شدن بر روابط کار
- آثار جهانی شدن بر تامین اجتماعی

۵. آثار جهانی شدن بر روابط کار

۵-۱. تاثیر جهانی شدن بر اشتغال

جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران و وضع کارگاههای تولیدی تاثیری اجتناب ناپذیر داشته است. بدین ترتیب که با جهانی شدن بر پایه آزادی واردات و صادرات بازارهای ملی رفته رفته به بازارهای فراملی تبدیل میشود و با توجه به مزیت‌های نسبی تولید و گردش سریع سرمایه، پراکنندگی مراکز تولید در نقاط گوناگون جهان، کارگاه‌های تولیدی بر پایه محل تولید سود آوری و دارای هزینه کمتر برگزیده خواهند شد. جهانی شدن اقتصاد با دگرگون کردن روابط سنتی کار، امنیت شغلی کارگران را با چالشهای تازه رو به رو خواهد کرد. اگر توسعه و رقابت جهانی بر پایه هزینه کار باشد در این صورت منافع کارگران فدای کاهش هزینه تولید خواهد شد و از این رو کارگر از پایین ترین معیارها در زمینه کار محروم می‌شود و ناگزیر است شرایط کاری بدتری

را در قیاس با شرایط قراردادهای سنتی کار بپذیرد. از این نظر جهانی شدن پشتیبانی کمتر از کارگران در شرایط خصوصی سازی، بیکاری و بروز ناهنجاریهای اجتماعی، کاهش اشتغال ثابت زنان و بی ثباتی اقتصادی را در پی دارد. علاوه بر این، کارگران در شرایط جهانی شدن کار ممکن است، برای حفظ موقعیت شغلی خود بصورت مقطعی و در برابر تصمیم کارفرما از پاره‌ای حقوق ابتدایی خود مانند اعتصاب چشم پوشی کنند و به جای پیمانهای گروهی به قراردادهای فردی با کارفرما روی آورند و حتی به سبب شرایط بازار با او متحد شوند. چنین شرایطی منجر به تضعیف پیمانهای گروهی کار می‌شود. جهانی شدن اقتصاد میتواند نیروی سندیکاهای کارگری را کاهش دهد و آنها را در پذیرش اعضای تازه به سبب پراکنده بودن مراکز تولید با دشواری رو به رو سازد و قدرت چانه زنی آنها را کاهش دهد (توسلی نائینی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). بسیاری از منتقدان جهانی شدن، معتقدند که جهانی شدن موجب بیکاری چشمگیری شده است. دیگران از جمله نئولیبرالها مشکلات مربوط به بیکاری را عمدتاً ناشی از عوامل دیگر مثل فناوری‌های جدید کار اندوز، آموزش و تحصیلات ناکافی یا سطوح دستمزد و مزایای ناپایدار می‌دانند. جهانی شدن معاصر از برخی راه‌های دیگر تأثیرات زیانبخش فزاینده‌ای بر امنیت شغلی گذاشته برای مثال، برخی از بیکاری‌ها در کشورهای شمال به این دلیل رخ داده است که شرکت‌ها از امکانات سازمان‌های جهانی، ارتباطات جهانی، تولید جهانی و تامین مالی جهانی برای جابه جایی کارخانجات تولیدی خود به مناطق کم دستمزد در کشورهای جنوب یا شرق بویژه در کشورهای تازه صنعتی شده و در مناطق تولید برای صادرات بهره برداری کرده‌اند (توسلی نائینی، ۱۳۸۱: ۹۸).

به این ترتیب، روابط مهم گوناگونی را می‌توان میان جهانی شدن معاصر و رشد بیکاری در کشورهای شمال پیدا کرد. نخست این که بخش‌های مالی، اطلاعاتی و ارتباطی رو به گسترش سرمایه داری جهانی به طور کلی در مقایسه با صنایع تولیدی و استخراجی قدیمی تر به نیروی کار کمتری نیاز دارند. مثلاً شرکت غول پیکر مایکروسافت که با پانزده هزار نفر در زمینه تکنولوژی اطلاعات فعالیت می‌کند در مقایسه با بزرگترین تولید کنندگان نسل‌های اولیه کارکنان کمتری دارد. بعید بنظر می‌رسد که بخش‌های جدید بشدت متمرکز بر سرمایه و بسیار ماشینی شده در اقتصاد بتوانند

پاسخگویی تقاضای فزاینده برای کار باشند. به علاوه ادغام و تملک شرکت‌ها اغلب منجر به بیکار شدن عده زیادی شده است.

جهانی شدن معاصر موجب افزایش بیشتر بیکاری ساختاری شده است. زیرا رشد انبوه سرمایه مالی جهت منافع، سرمایه گذاران را از طرح‌های کارآفرین در اقتصاد «واقعی» به اسناد مالی به عنوان هدف‌های سرمایه گذاری فی نفسه تغییر داده است. اسناد بدهی، و معاملات سهام ارز، سرمایه گذاران را با سود بالاتر و سریع تر (اغوا) کرده است. واقعیت آن است که سرمایه داری قمارخانه‌ای موجب گسترش برخی از مشاغل در بخش مالی شده است. با وجود این بانکداری امروزی، تجارت اوراق بها دار و انتقالی عمدتاً ماشینی شده و ادغام‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ در این بخش رخ داده به بیکاری قابل توجه در تعدادی از شرکت‌ها منجر شده است. در هر حال، امکان اشتغال بیشتر که در اثر گسترش سرمایه مالی فراهم آمده، کمتر از اندازه‌ای است که می‌توانست از سرمایه گذاریها در تولید «واقعی» ایجاد شود (شولت، ۲۷۰:۱۳۸۲).

سرانجام، جهانی شدن اغلب موجب تضعیف امنیت شغلی در بافت برنامه‌های تعدیل ساختاری شده است. بیشتر سیاست‌هایی که حاصل توافق دولت‌ها با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است، کوچک شدن قابل ملاحظه در دستگاه‌های اداری حکومتی را تجویز کرده اند در بیشتر موارد هیچ نوع برنامه‌ای برای استخدام مجدد مقامات و کارکنان مازاد بر نیاز در مشاغل جدید وجود ندارد. به همین ترتیب حاصل سیاست‌های خصوصی سازی و آزاد سازی که در قلب تعدیل‌های ساختاری نئولیبرالی قرار دارند، اغلب در مواردی که تجارت و صنعت محلی با رقابت جهانی رو به رو می‌شود، بیکاری و از دست دادن شغل است. اثرات منفی جهانی شدن بر اشتغال دارای وجوه مختلفی بوده است (کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

۱-۱-۵. پشتیبانی کمتر از کارگران در شرایط خصوصی سازی

امروزه در بسیاری از کشورها خصوصی سازی صنایع مادر مانند برق، آب، مخابرات و نفت و گاز، و نیز راه آهن و... شتاب بیشتری گرفته است. بخشی از این شتاب از شرایط اقتصاد جهانی و نیز پیدایش اتحادیه‌های منطقه‌ای در نقاط گوناگون

جهان مایه میگیرد اما بخش دیگر ریشه در رویارویی با بحرانهای اقتصادی و تشویق کارآفرینان به بازار سرمایه گذاری دارد. با افزایش خصوصی سازی، دولت‌ها با چالشی جدی رو به رو می‌شوند.

زیرا از یک سو ناگزیر از کاهش دادن قدرت سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری می‌شوند تا به ایجاد انگیزه سرمایه گذاری بیشتر در کارآفرینان، زمینه را برای دریافت مالیات و سهم بیمه بیشتر فراهم آورند و درآمد خود را افزایش دهند و از سوی دیگر نمی‌توانند دفاع از منافع انبوه کارگران را از صدر برنامه‌های خود کنار گذارند افزون بر این باگرایش به خصوصی سازی و کاهش حمایت‌های دولتی نمیتوانند از پدیده بیکاری در امان بمانند از این رو دولت‌ها در برابر این چالش و بحران بیکاری ممکن است به دو روش روی آورند: روش نخست: واگذاری اجباری بخشی از خدمات عمومی به بخش خصوصی است برای نمونه بسیاری از خدمات مانند خدمات بیمارستانی، سلف سرویسهای دانشگاهها و خدمات توریستی و مسافرتی را که پیش از این به دوش دولت بوده است با بستن قراردادهای مناقصه به بخش خصوصی واگذار می‌کنند.

روش دوم: ایجاد مشاغل پاره وقت و موقت در سطح وسیعتر (در ساعات و محل‌های گوناگون و در چارچوب تخصص‌های گوناگون) به جای حفظ و ایجاد مشاغل ثابت است که درصد کمتری از کارگران را پوشش می‌دهد. بر اثر این دو روش امکان اشتغال برای کسانی فراهم می‌شود که کارآمدی و هماهنگی بیشتری با این شرایط داشته باشند. به هر رو اجرای این دو روش به بیطرفی دولت و رها شدن بازار در سایه برخورد عرضه و تقاضا می‌انجامد که نتیجه آن افزایش هزینه‌های زندگی و تورم سنگین برای گروه‌های ضعیف و بویژه کارگران خواهد بود. بنابراین بی طرفی دولت در امور اقتصادی به حمایت نشدن کارگران در بازار کار می‌انجامد (توسلی نائینی، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

۲-۱-۵. کاهش اشتغال زنان به کارهای ثابت

با وقوع پدیده جهانی شدن در کشورهای صنعتی، گذشته از معیارهایی مانند داشتن مهارت‌های شغلی، قدرت رقابت با مردان در رفتن از کشوری به کشور دیگر نیز

یکی از عوامل اشتغال زنان شمرده می‌شود. در واقع از دید کارفرمایان برای پاسخگویی به دگرگونی‌های سریع در بازار جهانی، به کارگیری نیروی کار شناور لازم است. در این حالت زنان کارگر به علت پای بندیهای خانوادگی بیشتر و وابستگی فرزندان به آنان، از دسترسی به مشاغل پر درآمد باز خواهند ماند، زیرا لازمه چنین مشاغلی جابه جا شدن است. نتیجه گزینش کارهای پاره وقت و موقت از سوی زنان، دریافت حقوق کمتر و بی بهره ماندن از امتیازات دوران بازنشستگی است. پس باید پذیرفت که گرایش زنان به این گونه کارها تا آن اندازه که به سود کارفرمایان است به سود زنان نیست. این وضع سبب می‌شود که مردان کارگر دسترسی بیشتری به بازار کار و مشاغل کمابیش ثابت داشته باشند و کارفرمایان هم آنان را به علت برخورداری از مهارتهای بیشتر و نداشتن وظایف خانه داری بر زنان ترجیح دهند.

نتیجه سیاست‌های توسعه تحت تاثیر روابط جنسیتی از قبل موجود، و از جمله عقاید محلی نسبت به ماهیت کار زنان، مجموعه‌ای از بحرانهای جهانی در زمینه وابستگی تجارت، بدهی و تعدیل ساختاری، بر زنان تاثیر گسترده‌ای داشته است. شرایط تحمیل شده بر دولت‌ها در ازای وامهای اعطایی شامل این موارد هستند: سیاستهای تعدیل ساختاری، مقررات زدایی در مسائل مالی، آزاد سازی تجارت، حمایت از صنایع صادراتی و کاهش خدمات اجتماعی و سیاستهای حمایتی و از جمله یارانه‌های غذایی (بیلیس و اسمیت^۳، ۱۳۸۳: ۱۳۱۵-۱۳۱۶). علاوه بر این تقسیم کار بین‌المللی نیز حالت جنسیت محور پیدا کرده است، شرکت‌های فراملیتی در پی نیروی کار ارزان هستند که در اغلب موارد به همان معنای کار زنان است (انلو^۴، ۱۹۸۹: ۱۲۹). در بسیاری از کشورها و فرهنگها کار زنان امری موقتی تلقی میشود که قبل از ازدواج انجام می‌شود یا مکمل شوهران است. مفروضاتی در مورد کار زنان مطرح است مبنی بر اینکه زنان عمدتاً نیروهای کار غیر ماهر تلقی می‌شوند به این ترتیب تعابیر و برداشتهای خاصی از مونث بودن وارد سازمان کار شده و جایگاه و دستمزد آنان را تعیین می‌کند.

۳-۱-۵. تأثیر جهانی شدن بر کارگران مهاجر

مهاجرت بین‌المللی به تغییرات اقامتی، بطور موقت یا دائم، قانونی و یا غیر قانونی از مرزهای کشور اطلاق می‌شود (ماسین^۵، ۱۹۹۹: ۱۸۹). امروزه علاوه بر نقل و انتقال کالا، پول و سرمایه، همواره بر تعداد انسانهایی که در جستجوی کار کشور خود را ترک می‌کنند نیز افزوده می‌شود. معمولاً نیروی جویای کار به دنبال یافتن شغل و درآمد مناسب به همراه تضمینهایی که از ویژگیهای دولت‌های رفاهی و دموکرات است؛ همچون بیمه‌های اجتماعی و حمایت‌های مدنی از کشوری به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند (اسلاتر و سواگل^۶، ۱۹۹۷: ۱۷۷).

جا به جایی نیروی کار یکی از وجوه مهم جهانی شدن است. مهاجرت مردم به دیگر کشورها پدیده‌ای اساسی و گسترده است که در دهه‌ی گذشته سالانه بیش از ده میلیون نفر و شمار فزاینده‌ای از کشورها درگیر آن بوده‌اند. هزینه‌های رو به کاهش حمل و نقل و ظهور مسافرت گروهی ارزان، یکی از موانع مهاجرت را از پیش رو برداشته است. انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و پوشش جهانی رسانه‌ها معنایش گسترش آگاهی از تفاوت‌های استانداردهای زندگی در کشورهای ثروتمند و فقیر بوده که باعث تشدید مهاجرت گردیده است. عدم تقارن در آزاد سازی جریان سرمایه و نیروی کار به نابرابری بیشتری منجر شده است (استیگلیتز^۷، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

اکثر کارگران کشورهای مقصد کارگران مهاجر را عامل بیکاری و از دست رفتن فرصت‌های شغلی خود می‌دانند. بهمین دلیل باعث پیدایش گروههای ناسیونالیسم افراطی شده که در صدد مبارزه با مهاجرین و پناهندگان بوده و اکثراً منجر به رفتارهای خشونت آمیز گردیده است. از دیدگاه کشورهای در حال توسعه نبود یک چارچوب چند جانبه برای مهاجرت مردم به دیگر کشورها باز هم نشانگر شکافی دیگر در قوانین حاکم بر اقتصاد جهانی است. بسیاری از این کشورها معتقدند که مهاجرت آزادانه تر به کشورهای صنعتی به منزله ابزار سریع و قدرتمند افزایش منافی است که از جهانی شدن عاید آن‌ها می‌شود، در حالی که حقوق سرمایه گذاری خارجی به نحوی فزاینده در قوانین وضع شده برای اقتصاد جهانی تقویت شده است، حقوق کارگران مهاجر

توجه بسیار کمتری را به خود جلب کرده است. کشورهای مقصد با بستن مرزها و اعمال مقررات جدید و اتخاذ سیاست‌های آزاد سازی اقتصادی و توسعه کشورهای مبداء برآند تا محدودیتهایی را علیه مهاجران اعمال کنند. تاثیر سیاستهای کنترل مهاجرت که با راهبرد جایگزین ساختن مبادله آزاد تجاری به جای مهاجرت همراه است امری اجتناب ناپذیر است. با این همه در شرایطی که این سیاستها مشخصاً بر کنترل ورود مهاجرت به کشورها متمرکز می‌شوند، دو دسته نتایج متضاد به دنبال خواهند داشت: از یک سو این سیاستها آن دسته از افرادی را که آرزوی ترک کشورشان را دارند، ترغیب می‌کند که به محض دستیابی به یک فرصت مناسب، سریع تر از زمان پیش بینی شده کشور را ترک کنند در حالی که اعلام سیاست باز که تضمین کننده ورود افرادی است که احتمالاً می‌خواهند به خارج از کشور بروند میتواند در کاهش ورود افراد تاثیر گذار باشد (کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

نکته مهم و قابل توجه در خصوص مهاجرت نیروی کار در عصر جهانی شدن ترکیب نیروهای کار مهاجر می‌باشد. کشورهای توسعه یافته از لحاظ سرمایه غنی هستند سرمایه‌ای که دور دنیا می‌چرخد و به دنبال بیشترین سود است. کشورهای در حال توسعه کارگران غیر ماهر فراوان دارند که خواهان گردش به دور دنیا برای یافتن مشاغل بهتری هستند. آزاد سازی مهاجرت، به نفع کشورهای در حال توسعه تمام خواهد شد. از یک طرف کارگرانی که در کشورهای توسعه یافته استخدام میشوند، بخشی از دستمزد خود را به خانه می‌فرستند. اما هزینه ارسال وجه ممکن است بسیار بالا باشد و بخش قابل توجهی از پول ارسالی را ببلعد البته کشورهای توسعه یافته اجازه مهاجرت نیروی کار ماهر و متخصص را می‌دهند زیرا این اقدام به طور آشکار به نفع آنان تمام می‌شود این کار به معنای برداشتن سرمایه فکری بسیار ارزشمند کشورهای در حال توسعه بدون پرداخت خسارت است. (تاپینوس^۱، ۱۳۸۲: ۱۵). عدم تقارن در آزادسازی جریان سرمایه و نیروی کار به نابرابری بیشتر منجر می‌شود. با آزاد سازی بازارهای سرمایه، کشورها مجبورند به وسیله کاهش مالیات‌های شرکت‌ها برای حفظ سرمایه مبارزه کنند. چون نیروی کار بویژه نیروی کار غیر ماهر چندان متحرک نیست. برای حفظ آن مجبور به مبارزه شدید نیستند بنابراین آزاد سازی نامتقارن به

تغییر جهت مالیات‌ها به سوی کارگران و کاهش تصاعدی در سیستم مالیاتی منجر می‌شود. همین موضوع در چانه زنی برای دستمزد رخ می‌دهد (استیگلیتز، ۱۳۸۶: ۱۲۲). بررسی مشاغل مختلف در کشورهای مهاجرپذیر حکایت از این امر دارد که کارگران مهاجر فرصت مناسب برای احراز مشاغل مناسب با درآمد کافی را نداشته و بدلیل رقابت شدید جهت یافتن کار سخت‌ترین شرایط کار را تحمل می‌کنند. از طرفی دولت‌های مهاجر پذیر دغدغه‌چندانی جهت ایجاد رفاه و حمایت از کارگران مهاجر نداشته و شاهد تبعیض‌های ناروا هم در احراز مشاغل و هم قوانین حمایتی هستیم.

۶. تأثیر جهانی شدن بر استانداردهای کار

موضوع استانداردهای کار بین‌المللی یکی از منازعات بحث برانگیز در مباحث سیاسی جهان معاصر می‌باشد. در هسته این مباحث موضوعاتی از قبیل کودکان کارگر، آزادی انجمنها و حق پیمانهای جمعی کار همچنین استانداردهای پرداخت از قبیل حداقل دستمزد، ساعات کار و بهداشت و ایمنی شرایط کار که بطور مستقیم بر ارزش کار موثر است مطرح می‌باشد. کارفرمایان و دانشمندان نئوکلاسیک مخالف با این استانداردها بوده در حالی که کارگران و اتحادیه‌های چپ گرایش به حمایت از این استانداردها دارند. نئوکلاسیک‌ها بر این باورند که دولت می‌بایست استانداردهای کار را به بازار آزاد کار سپرده در غیر اینصورت این استانداردها باعث افزایش هزینه‌ها و بالا رفتن سطح دستمزدها شده مانع کارآمدی و انعطاف پذیری اصلاحات، اتلاف منابع و کاهش رشد اقتصادی و پایین آمدن قدرت تنظیم لازم و فوری بازار در نتیجه شوکهای اقتصادی می‌شود حقوق و استانداردهای کار که بعنوان استانداردهای اساسی بین‌المللی بر اساس قانون کار تلقی می‌شوند عبارتند از:

- ۱- آزادی اجتماعات ۲- حق تشکیل و مذاکرات جمعی ۳- ممنوعیت کار اجباری
- ۴- حداقل سن شروع به کار کودکان ۵- تضمین شرایط کار قابل قبول شامل تضمین حداکثر ساعات کار و تعطیلات و زمان استراحت، سلامت و بهداشت مناسب محیط کار، رفع تبعیض در اشتغال و سایر مزایای استخدامی.

۱-۶. تاثیر جهانی شدن بر اتحادیه‌های کارگری و مذاکرات جمعی کار

علاوه بر اینکه دولت‌ها با وضع قوانین حمایتی به حمایت از کارگران در زمینه‌های مختلف از قبیل حداقل دستمزد، اخراج، ساعات کار... و پرداخته اند، کارگران نیز با تشکیل سندیکاها و منسجم کردن نیروی کار بعنوان مانعی در مقابل فزون خواهی کارفرمایان تلقی می‌شوند. وجود تشکیلات قوی کارگری همواره بعنوان یکی از عوامل حیاتی بوده و با بسیج کارگران، اعتصابات و بعضاً تظاهرات خیابانی شاهد اعمال فشار بر سیاست‌های مدیران کارگاهها می‌باشیم، تا آنجا که اتحادیه‌ها نقش موثری در تثبیت دستمزدها در نقطه مطلوب همچنین از یک سطح مشخص اشتغال حمایت میکنند، زیرا آنها عموماً مخالف کاهش و اخراج نیروی کار هستند. موضوع دیگری که در تحلیل اتحادیه‌ها و چگونگی تاثیرگذاری آنها بر سطح اشتغال و دستمزد بسیار حائز اهمیت است، فرایند چانه زنی می‌باشد. در این خصوص دو مسئله اصلی وجود دارد: موضوع چانه زنی و گفتگو و اینکه خواسته‌های کدام یک از طرفین (کارفرما یا اتحادیه) در نتیجه موثرتر است (خسروی و وفایی، ۱۳۸۷: ۳۳).

اتحادیه‌های کارگری از چنان اهمیتی برخوردار بوده اند که سازمان بین‌المللی کار یکی از حقوق بنیادین کار همچنین شاخص کار شایسته را به وجود این اتحادیه‌ها موکول نموده است. علی‌رغم نقش موثری که اتحادیه‌های کارگری در تنظیم روابط کارگران و کارفرمایان ایفا نموده، با رشد پدیده جهانی شدن رفته رفته نقش و اهمیت اولیه سندیکاها کاهش یافته علل و عوامل متعددی در کاهش نقش این سندیکاها موثر بوده اند:

الف: وجود شرکت‌های چند ملیتی که هر روز نفوذ خود را در کشورهای دیگر توسعه می‌بخشند. **ب:** آزادی مبادلات بازرگانی و انتقال سرمایه. **ج:** تنوع قراردادهای جدید کار **د:** حاکمیت دیدگاههای نئولیبرالیست. **ح:** نگرش اقتصادی به دستمزد کارگران **و:** افزایش فقر **ز:** عرضه زیاد نیروی کار غیر ماهر و نیمه ماهر **ه:** ایجاد بسترهای مناسب و ترغیب سرمایه گذاران خارجی برای جذب سرمایه **ط:** امنیت سرمایه گذاری **ی:** رقابت تولیدکنندگان از جمله عواملی است که باعث کاهش نقش

اتحادیه‌های کارگری در مناسبات و روابط کاری شده است. در حالت جهانی شدن شرایط کار به شرایط ویژه هر تولیدکننده و شرکت پیمانکار بستگی خواهد داشت. چنین وضعی قدرت چانه زنی سندیکاهای کارگری را کاهش می‌دهد و آنها را در پذیرش گیری اعضای تازه با دشواری رو به رو می‌سازد. در این حالت از یک سو، چه بسا که کارگران برای حفظ موقعیت شغلی خود به گونه مقطعی از اعمال پاره‌ای حقوق خود مانند حق اعتصاب چشم‌پوشند و به جای پیمانهای گروهی به پیمانهای فردی روی آورند و حتی در پاره‌ای موارد به سبب شرایط بازار کار با کارفرمایان خود متحد شوند، که این روند سبب سستی پیمانهای گروهی کار خواهد شد از سوی دیگر سستی گرفتن سندیکالیسم و گرایش سندیکاهای کارگری به سوی سازماندهی در بخش خدمات خصوصی به گونه نامحسوس سبب کاهش قدرت آنها در مذاکرات گروهی و پیمانهای جمعی کار می‌شود. به هر حال ضعف پیمانهای گروهی و مذاکرات جمعی می‌تواند از ضریب امنیت شغلی کارگران بکاهد و آنها را با وضعی شکننده در برابر کارفرمایان رو به رو سازد (هاشمی، ۱۳۷۰: ۶۹).

۲-۶. تأثیر جهانی شدن بر دستمزد کارگران

تسریع جهانی شدن در دهه‌های اخیر نه تنها بر فرصتهای اشتغال، بلکه بر شرایط کار نیز تأثیر گذاشته است. در یک چارچوب سیاست نئولیبرالی، ظهور سرمایه داری فوق قلمرو گرا فشارهای قابل توجه نزولی بر دستمزدها، مزایا و حمایتها بویژه برای کارگران غیر ماهر و نیمه ماهر در کشورهای شمال وارد آورده است. داخل شدن در رقابت اقتصادی آن طور که جهانی شدن ایجاب کند، کشورها را درگیر کشاکشی بسیار سخت و نفس گیر می‌کند. در واقع اگر اولویت در کشوری رقابت پذیر کردن صنعتش باشد، باید از هزینه‌های کارگری بکاهد تا بتواند با حفظ انعطاف نسبت به بازار رقابت بر روی پای خود بایستد این امر تأثیر مستقیم بر سطح معیارهای کار و میزان رعایت آن خواهد داشت.

در رقابتی که از اساس به طور نا برابر به کشورهای ضعیف تحمیل می‌شود، آنها

هم باید به افزایش تولید و جهش صادراتی دست یابند و هم سرمایه خارجی را جذب کنند که معمولاً به قیمت فاصله گرفتن از سیاست‌های اجتماعی ملی حاصل می‌شود، چرا که یکی از راههای کاستن از هزینه‌های تولید و فروش کالا به قیمت رقابتی، پایین نگه داشتن مزدهاست و این خود به معنای بی‌توجهی به شرایط کار و زندگی کارگران است. در حالی که سطح مزد در کشورهای فقیر پایین است و ورود به عرصه چنین رقابتی دولت‌ها را از تلاش برای تامین حداقل رفاه اجتماعی و مزد کافی برای کارگران باز می‌دارد. محلی کردن تولید و جابه‌جایی کارخانه‌ها به خصوص صنایع نیازمند کارگر فراوان از کشورهای غربی به کشورهای در حال توسعه که هزینه تولید به لحاظ مزد بسیار کم کارگران پایین تر است، به تشدید این رقابت برای جذب سرمایه و ترغیب سرمایه‌گذاران از طریق تولید باز هم ارزانتر می‌انجامد. یعنی مسابقه‌ای بی‌پایان برای دعوت از صاحبان سرمایه به قیمت کم، یابی توجهی به وضعیت نیروی کار و حقوق انسانی او برای تامین زندگی مناسب، زیرا به طور اصولی هر جا که مزد کم یا مقررات حمایتی اندک باشد، همانجاست که سرمایه‌گذار رغبت بیشتری به فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد. چنین مسابقه‌ای سبب می‌شود که رفته رفته روند حمایت‌های اجتماعی و مقررات مربوط به آن نه به سوی تعالی و تکامل که سیر قهقرایی در پیش بگیرد و هر کشور از طریق مقررات زدایی یا رها کردن نیروی کار به حال خود، تضمین بیشتری به سرمایه‌گذاران خارجی یا داخلی بدهد که در صورت سرمایه‌گذاری در دسرس کمتری نسبت به دیگر کشورها خواهد داشت. از طرف دیگر آزادسازی بازار سرمایه باعث افزایش قدرت صاحبان سرمایه می‌شود، زیرا در مقابل حکومت و کارگران دست بالا را پیدا می‌کنند و در چانه زنی‌ها و مذاکرات آسانتر می‌توانند به شرایط دلخواه خود نایل شوند. دولت‌ها که به هر ترتیب خواهان جذب سرمایه هستند و ناگزیر از اعطای امتیازاتی به آنان هستند و کارگران که در معرض تهدید از دست دادن شغل و مختصر درآمدشان هستند از ترس اینکه مبدا محل کارخانه به جای دیگر منتقل شود خود به شرایط مطلوب صاحبان سرمایه از حیث شرایط کار یا مزد تن می‌دهند. این وضعیت در کشورهای غربی مصداق بیشتری داشته است و به سرمایه‌گذاران غربی در جستجوی تولید ارزان امکان داده تا اگر سیستم مالیات یا هر چیز دیگر را باب میل ندیدند با

تهدید خروج سرمایه، دولت را وادار به کنار آمدن با خود کنند (عراقی و رنجبریان، ۱۳۸۵: ۳۶۷).

۳-۶ تأثیر جهانی شدن بر بهداشت و ایمنی محیط کار

امروزه یکی از شاخص‌های کار شرافتمندانه توجه به بهداشت و ایمنی کار و سلامت کارگران است. اقدام در عرصه‌های فوق نقش مهمی در دستیابی به هدف کار شرافتمندانه برای همه ایفا خواهد کرد. بر اساس برآورد ILO^۹ سالانه بیش از دو میلیون کارگر در سراسر جهان به دلیل حوادث ناشی از کار فوت می‌کنند. خطر به شکل‌های گوناگون ظاهر می‌شود. کارهای تکراری، زمان طولانی، سروکار با مواد مضر، سرو صدا، فشارهای روانی و نزاع و برخورد فیزیکی و غیره. درجه خطر بر اساس مشاغل مختلف، فعالیت اقتصادی، نوع موسسه، ویژگی‌های کارکنان و غیره متفاوت است. معیارهای جلوگیری از خطر نیز متفاوتند و عبارتند از: کنترل‌های فنی، از بین بردن عوامل خطر ساز، جایگزین کردن مراحل و مواد خطر ناک، آموزش‌های سلامت و امنیت، تجهیزات محافظ، طرح‌های دقیق و محدود کردن فعالیت گروه‌های آسیب پذیر، مانند جوانان شاغل در کارهای سخت و زیان آور (پورخرمدند، ۱۳۸۳: ۲-۹۱).

حوادث و بیماری‌های شغلی ناشی از محیط کار علاوه بر خسارتهای اقتصادی، از بعد معنوی و زندگی اجتماعی نیز تبعات بسیار مخربی دارد تامین بهداشت و ایمنی محیط کار، دو هدف اقتصادی را دنبال می‌کند:

- شناسایی و سنجش هزینه‌های اقتصادی ناشی از بیماری‌ها و حوادث شغلی میتواند موجب بروز مشکلات عمده شود.

- برقراری ارتباط بین اهداف اقتصادی یک سازمان یا موسسه و مشکلات بهداشت و ایمنی شغلی تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی زمانی موثر واقع می‌شود که حفاظت از شرایط خطرناک محیط‌های کار، مکمل اهداف اجتماعی باشد. برای دستیابی به همه این اهداف یک عقیده عمومی وجود دارد و آن پرداختن به هزینه هاست. در یک طرف، هزینه‌های سالم سازی شرایط کاری وجود دارد که میتواند موجب کاهش

وقوع حوادث و بیماریها شود و در طرف دیگر نیز هزینه‌هایی قرار دارند که در تجزیه و تحلیل بهداشت و ایمنی بسیار با اهمیت تلقی می‌شوند (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

پیشرفت تکنولوژی در عرصه جهانی شدن بی‌تردید در بالا رفتن ضریب ایمنی وسایل کار موثر بوده و این موضوع در کاهش حوادث ناشی از کار قطعاً موثر بوده است و در این خصوص مثبت ارزیابی می‌شود. اما با نظری کوتاه به شرایط عمومی حاکم بر روابط کار و مولفه‌های زیر در عصر جهانی شدن این خوش بینی را به یاس مبدل خواهد ساخت: کاهش سطح دستمزدها، افزایش ساعات کار، انعطاف پذیر شدن مقررات حمایتی کار، خشونت در محیط کار از جمله تبعات منفی جهانی شدن بر بهداشت و محیط کار بوده که می‌تواند باعث تشدید بیماریهای روحی و روانی کارگران شود.

۷. تاثیر جهانی شدن بر تامین اجتماعی

تاثیر جهانی شدن بر نظام تامین اجتماعی از چند طریق ظاهر می‌شود که برخی از آنها کلی تر و عمومی ترند، یکی اینکه جهانی شدن رقابت را تشدید می‌کند و در نتیجه افزایش کارایی را ضروری می‌سازد. دیگر اینکه تحرک فزاینده عوامل تولید به ویژه سرمایه ملی و افراد پر توان و با کفایت بر نظام تامین اجتماعی اثر می‌گذارد. فشارهای بین‌المللی به منظور برداشتن موانع مقرراتی از سر راه کسب و کار تجارت یا معیارها و قوانین یکسان نیز چوب دیگری است که جهانی شدن ممکن است لای چرخ نظام تامین اجتماعی بگذارد. جهانی شدن سهم تجارت در محصول ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد و در نتیجه بخش‌ها یا صنایع کارآمد را با رقابت خارجی بیشتری رو به رو می‌سازد. شرکت‌ها یا کارگرانی که در پناه دیوار بلند تعرفه‌های گمرکی یا سیاست‌های حمایتی دیگر کار می‌کرده اند ممکن است بی‌پشت و پناه شوند. این امر به ویژه در مورد شرکت‌های دولتی که زیر چتر حمایت صنعتی قرار دارند مصداق پیدا میکند. کشوری که مالیات‌های سنگین می‌بندد یا برای شرکت‌های خود محدودیتهای دیگری (مثلاً کاهش روزهای کار در هفته) ایجاد میکند توانایی رقابت آنها در برابر

شرکت‌هایی که در کشوری دیگر که با این محدودیت‌ها رو به رو نیستند کم می‌شود. با جهانی شدن تحرک سرمایه‌های مالی و نیز افراد با مهارت یا پر استعداد بیشتر می‌شود، زیرا کشورهای دیگر برای آنان آغوش می‌گشایند (تانزی^{۱۰}، ۲۰۰۰: ۲۰). در دنیایی باز که رقیبان خارجی مالیات کمتری می‌پردازند و با مقررات دست و پاگیر رو به رو نیستند، اخذ مالیات‌های سنگین، حفظ مقررات دست و پاگیر روز به روز دشوار تر و پر هزینه تر می‌شود. در این محیط برخی از کشورها روز به روز با مشکلات بیشتری رو به رو خواهند شد که مخارج سنگین خود را از راه اخذ مالیات‌های سنگین تامین کنند یا برای بهبود سطح کنونی تامین اجتماعی همچنان به دامن مقررات و بخشودگی‌های مالیاتی بیاویزند (آتکینسون^{۱۱}، ۱۹۹۹: ۶۳).

جهانی شدن بر ابعاد مختلف تامین اجتماعی تاثیر گذاشته، کاهش درآمدهای مالیاتی قطعاً بر خدمات و حمایت‌های اجتماعی تأثیری اجتناب ناپذیر خواهد داشت. از طرفی باعث کاهش مستمری‌ها گردیده و از طرف دیگر سعی خواهد شد بر خلاف اصول حاکم بر تامین اجتماعی از جامعیت کمتری برخوردار شده و مشمولین کمتری را در بر گیرد، با بازنشستگان به گونه دیگری برخورد خواهد شد و تلاش می‌شود تا سن بازنشستگی بالاتر رفته، هزینه‌های اجتماعی جهت تهیه مسکن افراد کم بضاعت تقلیل یافته، اقشار آسیب پذیرتر از قبیل زنان، اطفال و سالخوردگان از حمایت کافی برخوردار نباشند که به دلیل اهمیت موضوع به هریک جداگانه می‌پردازیم:

۷-۱. تأثیر جهانی شدن بر میزان مستمری‌ها

همزمان با اوج گرفتن موج خصوصی سازی در اوایل دهه ۱۹۸۰ خصوصی سازی تامین اجتماعی نیز بنا گزیر مطرح شد در واقع بخش مهمی از کمبودهای بودجه‌ای دولت‌های صنعتی غرب در یکی دو دهه اخیر به هزینه‌های اجتماعی و رفاهی آنها منتسب می‌شود جهانی شدن می‌تواند مشکلاتی برای تامین اجتماعی به شرح ذیل به وجود آورد:

• افزایش خطر مالی برای دریافت کنندگان

جهانی شدن باعث می‌شود تا بیمه شدگان و خانواده‌های آنان در معرض مخاطرات مالی بیشتری قرار گیرند. در نظام خصوصی، مزایای تامین اجتماعی دیگر تابع درآمدهای کارکنان و مشارکت‌های مالیاتی آنان در طول خدمتشان نخواهد بود در عوض سطح مزایای تابع بوالهوسی‌های بازار سهام خواهد شد به این که یک کارگر چه اندازه مهارت (یا بخت و اقبال) در سرمایه‌گذاری دارد و چه زمانی تصمیم به بازنشستگی می‌گیرد. تامین اجتماعی امروزه، مزایایی تضمین شده برای سراسر عمر فراهم می‌کند، وضعیت بازار از روزی که شخص بازنشسته می‌شود با ماههای مقدم بر آن تاثیری بر مزایای دریافتی ندارد (ماتسویی^{۱۲}، ۱۳۸۲: ۹۳۴). با ادامه روند جهانی شدن و دیدگاه‌های صرفاً اقتصادی بر هزینه‌های اجتماعی گرایش به سوی خصوصی کردن تامین اجتماعی جهت کاستن از هزینه‌های اجتماعی یکی از راهکارهای پیشنهادی جهت برون رفت از بحرانهای مالی است.

با توجه به بحرانهای شدید مالی و رکود اقتصادی اخیر میتوان اثرات تامین خصوصی را بر وضعیت تابعین و مستمری بگیران پیش بینی کرد. تامین اجتماعی در برابر بسیاری از خطرهای افراد حمایت میکند، از جمله خطر مرگ یا از کارافتادگی، خطر پایین بودن سطح درآمد در طول زندگی، خطر عمر دراز و استثنایی. پیوند ناگسستنی اقتصاد کشورها در عصر جهانی شدن باعث می‌شود که بحران در هر یک از کشورهای بزرگ به سرعت به سایر کشورها سرایت کرده و اقتصاد سایر کشورها را با رکود یا تورم مواجه سازد. وجود بحرانهای اقتصادی کشورها را در پرداخت حقوق و مزایای مستمری بگیران با مشکل مواجه خواهد ساخت. با توجه به کسری بودجه صندوق‌های تامین اجتماعی و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت‌ها، راهکارهایی که برای فرار از این معضل ارائه شده، کاستن از میزان مزایای بازنشستگان آینده بین ۳۰ تا ۴۰٪ کاستن از مقرری از کارافتادگان و بازماندگان، افزایش سن بازنشستگی، کسور برکل درآمدهای افراد می‌باشد. تمامی این راهکارها در تضاد با سیاست‌های اجتماعی دولت‌های رفاهی در حال حاضر بوده و این تغییرات می‌تواند پیامهای ناگوار سیاسی و اجتماعی را در کشورها به دنبال داشته باشد.

۷-۲. تأثیر جهانی شدن بر بازماندگان و از کار افتاده ها

در مورد مقرری‌های بازماندگی و از کار افتادگی، تراز حسابها در طول مدتی خیلی کوتاه تر انجام می‌گیرد و بنابراین تامین کننده درآمد بسیار کمتری در صورت فوت یا از کارافتادگی کارگران است. برای جبران این نقیصه راهکارهایی که ارائه می‌شود یکی کاستن از مقرریهای از کارافتادگی دیگری دسترسی نداشتن به حسابها تا قبل از رسیدن به سن بازنشستگی است. این امر به نوبه خود ضربه‌ای دوگانه به کارگران از کار افتاده محسوب می‌شود. کاهش مقرری تامین اجتماعی و عدم امکان بهره برداری از موجودی حسابها برای جبران زیان فوق باعث شده طرفداران جهانی شدن با بیان مشکلات مربوط به امور مالی نظام‌های تامین اجتماعی و واقعیت کسری‌های عظیم اعتباری آن را که ناشی از کاهش و افزایش هزینه هاست و در نهایت بر بودجه عمومی بار می‌شود مینا و مستند انتقادهای خود قرار دهند و مدعی شوند که تامین اجتماعی به مهمترین سهم هزینه‌های تامین اجتماعی تبدیل شده است و از همین رو تامین مالی آن مستلزم ایجاد کسری در بودجه دولت است که میتواند باعث بالا رفتن نرخ تورم و افزایش هزینه سرمایه گذاری شود و تنها راه رهایی از این مشکل را، کاستن از هزینه‌های اجتماعی و تبدیل نظام‌های پرداخت جاری به نظام‌های انفرادی سرمایه ساز می‌دانند. نگرش صرفاً اقتصادی به مقوله تامین اجتماعی آثار مخربی را بر حمایت‌های اجتماعی در عصر جهانی شدن بدنبال داشته، کاهش هزینه‌های اجتماعی نتیجه‌ای جز فقر و فلاکت اقشار نیازمند و تحت پوشش تامین اجتماعی نخواهد داشت.

۷-۳. تأثیر جهانی شدن بر سالخوردهگان

به طور کلی هر گونه بحث و تبادل نظر مربوط به فرد یا افراد سالخورده به مسائلی دیگر مانند بحث تامین در دوران پیری به عنوان یکی از دلایل بچه دار شدن مرتبط می‌باشد.

از اواخر دهه ۱۹۷۰ در کشورهای در حال توسعه در متون مختلف به مسئله سلامت و اوضاع اجتماعی افرادی که قدم به سالخوردهگی می‌نهند پرداخته شد.

سالخوردگی جمعیت (و یا به عبارت دیگر افزایش تعداد (درصد) افراد مسن یا بالای ۵۵ یا ۶۰ سال در مجموع جمعیت یک کشور و افزایش میانه سن) پدیده ویژه قرن بیستم است. این پدیده در کشورهای توسعه یافته برای اولین بار زمانی مشاهده شد که کاهش باروری به بسیاری از مسائل مربوط به عواقب اجتماعی مالی سالخوردهگان دامن زد این عواقب عبارتند از: مراقبت‌های جسمانی و روانی، تسهیلات سازمانی مورد نیاز برای این افراد، پیامدهای سرمایه گذاری شخصی و همگانی افراد سالخورده به دلیل ابعاد نگاهداری و مراقبت از افراد سالخورده این امر از مسئله سالخوردگی جمعیت به بحران سالخوردگی مبدل گردیده است. به گزارش سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی کانون اصلی بحث مشکلات سالخوردگی جمعیت، فراهم کردن اعتبارات لازم برای افزایش بودجه پیش بینی شده هزینه‌های اجتماعی است. از وابستگی قشر سالخورده به جمعیت شاغل به طور معمول به عنوان بار مالی بازنشستگان بر نظام‌های تامین اجتماعی و حقوق بازنشستگی که منابع تامین آنها مالیات‌ها یا دریافت‌های جاری است یاد می‌شود. پیر شدن فراگیر چهار چالش اساسی را برای کشورهای پیشرفته امروزی مطرح می‌کند:

(۱) چالش مالی افزایش هزینه‌های بازنشستگی (۲) چالش نیروی کار که در حال پیر شدن و در حال کم شدن است (۳) چالش مالی کاهش ارزش دارایی‌ها و نقل و انتقالات سرمایه (۴) چالش رشد بازارهای ایستا یا در حال زوال، در عین حال کشورهای پیشرفته باید بپذیرند که پیر شدن یک پدیده جهانی است و راه حل‌های جهانی را هم می‌طلبد در حالی که مسیرهای جمعیتی متفاوت جهان پیشرفته و جهان در حال توسعه یک چالش در سده بیست و یکم تلقی می‌شود. ولی فرصتی تاریخی را هم برای پیوندهای جدید این دو جهان فراهم می‌آورد (لوینسکی و مک کینون^{۱۳}، ۱۳۸۲: ۲۳۲)، از بین رفتن خانواده‌های سنتی، سالمندان را در دوران پیری نگران کرده است.

ترس از اسکان در خانه سالمندان دغدغه اساسی اکثر سالمندان است. کاهش نرخ زاد و ولد نیز در پیدایش این قبیل موسسات موثر بوده است دستمزدهای پایین کارگران غیر ماهر در کشورهای پیشرفته همچنین سطح عمومی پایین بودن دستمزدها در کشورهای جهان سوم مانع از پس انداز و سرمایه گذاری برای دوران کهولت و پیری

شده است به نحوی که اکثر سالمندان با فقر و نداری دست به گریبان بوده. این مشکل برای کارگران غیر رسمی و پاره وقت نیز به نحو حادتری نمایان می‌شود در بخش کشاورزی نیز به استثنای خانواده‌های بزرگ و آنان که دارای تمکن مالی و زمین فراوان می‌باشند در نتیجه مهاجرت نیروی کار جوان، افراد سالخورده توان ادامه کشاورزی را نداشته و از آنجا که معمولاً از بیمه‌های اجتماعی نیز بی بهره می‌باشند، جهانی شدن باعث انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت و ایجاد فقر در این قسمت می‌شود که افراد سالخورده بیش از بقیه اقشار آسیب پذیر بوده و از فقر رنج می‌برند. در این بین زنان سالخورده وضعیتی بمراتب بدتر خواهند داشت. زیرا زنان از فرصت‌های کمتری در اشتغال برخوردار بوده و بهمین اعتبار از پس انداز کمتری برای دوران پیری نیز برخوردار خواهند بود.

عدم توجه به مسائل زیست محیطی و آلودگی هوا نیز بیشترین اثرات را بر سلامتی سالخوردگان به عنوان افراد در معرض خطر به جا خواهد گذاشت، که به نوبه خود باعث بالا رفتن هزینه بازنشستگان و همچنین تحمیل هزینه بر بودجه عمومی خواهد بود.

۸. نتیجه گیری

همانطور که اشاره شد جهانی شدن به عنوان فرآیندی همه جانبه و گریز ناپذیر بر همه جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی بشر تأثیر گذاشته است، تغییرات ساختاری که در اقتصاد کشورها در نتیجه تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی بعمل آمده است و پیدایش بازیگران فعال در عرصه بین‌المللی باعث عقب نشینی دولت‌ها از سیاست‌های رفاهی شده است .

برنامه‌های تعدیل ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، مشخصاً برای کاهش مصرف در کشورهای در حال توسعه تدوین شده اند، تا با هدایت منابع تولیدات صادراتی، بدهی‌های خارجی پرداخت شوند. اما، چنین اقدامی، منجر به اضافه تولید کالاهای غیر صنعتی و کاهش شدید بهای آنها می‌شود. تقریباً در هر کشوری که

صندوق و بانک در آن فعالیت کرده اند، نتیجه این سیاست‌ها، انهدام کشاورزی سنتی، و ظهور شمار فراوانی کشاورز بی زمین بوده است. برنامه ریاضت اقتصادی پیشنهادی این دو نیز نتوانسته است به حل بحران اقتصادی کشورها کمک نماید. صندوق بین‌المللی پول از کشورها می‌خواهد تا با مقررات زدایی و حذف تعرفه‌ها و عوارض گمرکی و انعطاف کردن قوانین کار شرایط لازم را برای جذب سرمایه‌های خارجی جهت برون رفت از بحرانها، و توسعه اقتصادی فراهم آورند. از دولت‌ها خواسته می‌شود تا مشمولین تامین اجتماعی و مصادیق تحت پوشش را کاهش دهند. تمامی این سیاستها در تعارض با حمایت‌های اجتماعی است. جایگزین کردن قراردادهای کار انعطاف پذیر بجای قراردادهای دائم باعث از بین رفتن امنیت شغلی کارگران می‌شود. عدم امنیت شغلی و بیکاری ناشی از قراردادهای کار موقت باعث عرضه زیاد نیروی کار شده، کارگران بیکار در شرایط بد اقتصادی حاضرند شرایط بسیار نا عادلانه شرکت‌های چند ملیتی را که از مظاهر جهانی شدن هستند بپذیرند. رقابت آزاد که شرط پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی است، فرصتی آرمانی برای این قبیل شرکت‌ها فراهم کرده تا کشورهایی را به عنوان میزبان انتخاب کنند که سختگیری کمتری نسبت به مقررات حمایتی و زیست محیطی دارند. کاستن از دستمزد کارگران بعنوان یکی از هزینه‌های تولید شرط موفقیت در بازار و ادامه رقابت این شرکت‌ها است. از طرفی با اعمال نفوذی که شرکت‌های چند ملیتی بر مقامات سیاسی، بخصوص در کشورهای جهان سوم دارند، مانع از وضع مقررات حمایتی کارآمد در زمینه روابط کار و تامین اجتماعی می‌شود.

این عامل همراه با انگیزه این کشورها جهت جذب سرمایه‌های خارجی باعث رقابت دیگری بین کشورهای میزبان می‌شود. کشور میزبان به منظور جلب توجه سرمایه گذاران خارجی سعی در تحقق خواسته‌های آنها شرایط و بسترهای لازم برای اقتصاد آزاد در راستای توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول مبنی بر، مقررات زدایی، انعطاف پذیر نمودن قراردادهای کار، انحصار زدایی، حذف موانع و تعرفه‌های گمرکی، خصوصی سازی، رقابت آزاد را فراهم آورد. و این ضربه‌ای دو گانه بر نظامهای حمایت

اجتماعی است. زیرا شاهد دو نوع رقابت صرفاً اقتصادی بدون ملاحظات اجتماعی بوده که هر دو نتیجه‌ای جز کاهش حمایتها نخواهد داشت. بدین ترتیب که رقابت بین شرکت‌های چند ملیتی و تلاش برای کاهش هزینه‌ها از جمله دستمزدها فرار از پرداخت حق بیمه‌ها، کاهش هزینه‌های بهداشتی و درمانی و زیست محیطی از یک سو باعث کاهش درآمدها و تشدید فقر کارگران می‌شود، از سوی دیگر رقابت کشورهای سرمایه پذیر نیز شرایط را برای تحقق آرمانهای این شرکت‌ها فراهم می‌آورد. این شرکت‌ها با تهدید به خروج سرمایه خود از کشور میزبان آنها را مجبور به پذیرش شرایط خود می‌نمایند.

خصوصی سازی نیز که از دیگر الگوهای مطلوب سازمان‌های مالی و پولی بین‌المللی در راستای جهانی شدن است. به نوبه خود آسیب‌هایی را بر نظام حمایت اجتماعی وارد می‌آورد. خصوصی سازی حاکی از تغییرات در تعادل بین حکومت و بازار به نفع بازار است و فرایند انتقال مالکیت امر تجاری از بخش عمومی (دولت) به بخش خصوصی است (چودری^۴، ۲۰۰۰: ۴۲).

تغییر نوع انحصار از دولتی به بخش خصوصی و فسادهای مالی و سوء جریانات اداری، عدم نظارت دقیق و کارآمد در تعیین ارزش‌های صناعی که واگذار می‌شود، باعث حیف و میل اموال عمومی می‌شود. از طرفی بخش خصوصی که بدنبال تحصیل منافع بیشتر است هر جا احساس کند که با فروش اراضی یا اموال شرکت واگذار شده سود بیشتری تحصیل می‌نماید، در انجام این کار تردید نخواهد کرد، که آنهم به نوبه خود باعث تعطیلی کارگاهها و بیکاری هر چه بیشتر می‌شود. شرکت‌های خصوصی همچنین با تعدیل نیروی انسانی و کاهش دستمزد سعی در بهره‌وری و کسب منفعت بیشتر خواهند داشت. پیشرفت فن آوری نیز باعث ترویج صنایع سرمایه بر شده و به همان میزان از صنایع کاربر کاسته خواهد شد با خروج صنایع کاربر با پدیده بیکاری مواجه خواهیم شد.

با نگاهی به بحرانهای متعدد اقتصادی طی سه دهه اخیر که بی ارتباط با اقتصاد جهانی نبوده است، ملاحظه می‌شود که کشورها با کسری شدید بودجه مواجه بوده‌اند. این موضوع بر کشورهای جهان سوم که در صدد پیوستن به سازمان تجارت جهانی

بوده و مجبور به تبعیت از سیاستهای صندوق بین‌المللی پول جهت دریافت وام هستند، باعث کاهش تعرفه‌ها و عوارض گمرکی و اصلاح مالیاتی شده است که به نوبه خود کاهش درآمدهای ملی را به همراه داشته است. کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی باعث کسری بودجه شده مانع از حمایت‌های اجتماعی موثر از کارگران و مستمری بگیران می‌شود. بنابراین دولت‌ها به ناچار سعی در کاستن از میزان مستمریها و مزایای ایام بیکاری خواهند داشت و مقررات سختگیرانه تری را برای مشمولین و شرایط بهرمندی، وضع می‌نمایند که معارض با اصول حاکم بر تامین اجتماعی است.

بنابر آنچه گفته شد ملاحظه می‌شود که جهانی شدن آثار سوئی را بر روابط کار و تامین اجتماعی به همراه داشته است، از طرفی رشد فن آوری باعث تبادل اطلاعات در سطح وسیعی شده و کارگران با آگاهی از شرایط و امکانات رفاهی سایر جوامع ترغیب به مهاجرت می‌شوند. اما شرایط برای نیروی کار غیر ماهر چندان مناسب نیست. با توجه به عرضه زیاد نیروی کار غیر ماهر و رقابت این قبیل کارگران برای احراز مشاغل، فرصتی برای کارفرمایان جهت تحمیل شرایط خود به آنان را فراهم می‌آورد. بخصوص کارگران مهاجر غیر قانونی از کمترین مقررات حمایتی نیز بهره مند نیستند. معمولاً به انحاء مختلف سعی در فرار از بیمه نمودن کارگران مهاجر می‌شود. دولت‌های میزبان نیز مسئولیت چندان برای خود در قبال این قبیل کارگران قائل نیستند. که ادامه این وضع باعث تشدید فاصله طبقاتی شده نابرابریهای اجتماعی را بدنبال خواهد داشت. بنابراین ضرورت دارد کشورها قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی، بسترهای حمایتی لازم را برای اقشار آسیب پذیر خود فراهم آورند.

پی‌نوشت:

1. Waters, Malcolm
2. Scholte, Jan. Aart
3. Baylis, John and Smith, Steve
4. Enloe, Cynthia
5. Maicin, Cliste
6. Slaughter, Matthew. J and Swagel, Matthew. J
7. Stiglitz, Joseph. E

8. Tapinos
9. International Labour Organization
10. Tanzi, Vito
11. Atkinson, Anthony
12. Matsoui
13. Levinsky, Richard and McKinnon, Roddy
14. Chawdhury, Faizul Latif

منابع

الف. فارسی

- استیگلیتز، ای، جوزف (۱۳۸۶). **نگاهی نو به جهانی شدن**. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: نشر چشمه.
- بیلیس، جان و اسمیت، استو (۱۳۸۳). **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌المللی در عصر نوین (۲)**. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پور خردمند، رضا (۱۳۸۳). **اندازه‌گیری کار شایسته**. تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی.
- تاپینوس، جورج فوتیوس (۸۲/۳/۴). **جهانی شدن و آثار آن**، مترجم رضا مصطفی دادکان، تهران: روزنامه همشهری.
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۴). "جهانی شدن و امنیت شغلی کارگران". **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ۱۰ (۲۱۹): ۱۶۰-۱۶۹.
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۱). "تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر روابط کار". **سومین همایش ملی کار**. تهران، وزارت کار و امور اجتماعی: ۹۸-۹۰.
- کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن (۱۳۸۴). **جهانی شدن منصفانه: ایجاد فرصت برای همه**. ترجمه احد علیقلیان. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- خسروی، حسن و وفایی، رضا (۱۳۸۷). **بررسی نقش تشکلهای کارگری در تحولات**

- بازار کار و اعتصابات کارگری. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر.
- ذوالفقاری، کامران (۱۳۸۷). "جهانی شدن کار". فصلنامه تامین اجتماعی موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، ۵: ۱۷۲-۱۸۰.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۹). پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر آگاه.
- شولت، جان آرت (۱۳۸۲). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عراقی، عزت اله؛ شهابی، مهدی و بادینی، حسن (۱۳۸۶). درآمدی بر حقوق تامین اجتماعی: نقد قانون تامین اجتماعی ایران بر اساس مطالعه تطبیقی. تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- عراقی، عزت اله و رنجبریان، امیر حسین (۱۳۸۵). تحول حقوق بین‌المللی کار. تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی.
- لویسکی، ریچارد و مک کینون، رادی (۱۳۸۷). در پی یافتن اعتمادی نو. ترجمه سیاوش مریدی. تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- مجتبوی نائینی، مهدی (۱۳۷۲). فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی با معادل‌های انگلیسی و فرانسه. تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی.
- ماتسویی، باب (۱۳۸۲). تامین اجتماعی در ایران و جهان. ترجمه هرمز همایون پور، در گزیده مقالات فصلنامه تامین اجتماعی. تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی: ۹۳۰-۹۴۵.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی شدن. ترجمه اسماعیل گیو و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- هاشمی، محمد (۱۳۷۰). "نگرشی بر قانون جدید کار". مجله تحقیقات حقوقی، ۸۵-۱۲: ۶۰.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی